

حکمتیست

۲ مه ۲۰۱۶ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود



تاریخ تحمل شدگان!

فواد عبدالحی

خامنه ای هفته گذشته و به بهانه "روز کارگر" پیامی را مخابره کرد: "در طول ۳۷ سال گذشته، با وجود مشکلات معیشتی، کارگران هیچگاه به تبلیغات ضد انقلاب اعتنا نکردند و در مقابل نظام نایستادند، بلکه همواره مدافع نظام اسلامی بوده اند..."

۱- از نظر اکثریت مردم محروم ایران و تلاش برای امر آزادی و برابری، نفس جمهوری اسلامی ۳۷ سال است که یک وصله تحمیلی است. تفکر و ایدئولوژی این حکومت، قوانین و ضد ارزشهای اسلامی، لومینیسیم و فرهنگ منطبق که ترویج میکند، و اختناق که گسترانده است، بر هیچ احدی پوشیده نیست. این حکومت علیرغم میل و خواست مردم و در متنی قتل عام بزرگ انقلاب ۵۷ به جامعه تحمیل شده است. خامنه ای، به زبان بی زبانی میخواهد بگوید که با برجام و بی برجام، با اقتصاد خرکی یا مقاومتی، در غیاب تحزب کمونیستی و عمل مستقیم طبقه کارگر، تعرض شان به زندگی و معیشت مردم کماکان ادامه دارد! میخواهد بگوید بعد از گذشت ۳۷ سال از تحمیل و تولدشان توسط جهاد ریگانی به جامعه ایران، پیاده کردن احکام قرآن در زندگی زن، در حقوق کودک، در بریدن زبان کارگر و تحمیل آپارتاید جنسی و خفقان و سرکوب، با هزاران اعدامی و سلاخی شدگان توسط وحوش مکتب اسلام، میتوان هنوز نفسی کشید.

۲- خامنه ای خوب می داند که کارگران، نیرومند ترین بخش جامعه و در نتیجه نیروی اصلی هر تحول مهم سیاسی - اجتماعی از پائین هستند. رژیم ارتش و ساواک شاهنشاهی را خمینی سرنگون نکرد، اعتصاب کارگران نفت تیر خلاص آن شد. ...
صفحه ۲

دردفاع از حق فرار

ثریا شهابی



تصاویر دلخراش مرگ، خودکشی، خودسوزی، غرق در دریاها، دستگیری و سرکوب فراریان از جنگ و اختناق و ناامنی، سالها است که به بخشی از زندگی اکثریت بشر کره خاکی تبدیل شده است. تراژدهایی در ابعاد نه یک یا چند نفره، که در ابعاد هزاران نفره، هرروز سد رسانه های تحت کنترل را می شکند، خود را به آنها تحمیل میکند و از این طریق میلیاردها بشر کره خاکی را هر روز و هر لحظه در تماس مستقیم با یکی از عظیم ترین فجایع تاریخ معاصر قرار میدهد. تراژدی هایی که ابعاد آن نه تنها در حال کاهش نیست، که روز به روز گسترده تر و وسیع تر میشود. مرگ دلخراش امید معصومی، علی، بیست و سه ساله، تنها یکی لحظات هالوکاستی است که در سراسر جهان در ابعاد دهها میلیونی در جریان است. *

این ماشین کشتار فرار و صحنه های دلخراش آن، با ساکنین جهنم هایی که نام کمپ های پناهندگی به خود گرفته است، جایی که شاهراه اصلی آن از خاورمیانه و شمال آفریقا میگذرد، ساخته دست ساکنین و قربانیان آن نیست. از بندر کاله فرانسه و دیوار ها و سیم خاردار ها و "چک پوینت های" که یادآور کنترل نازی ها و فاشیست ها طی جنگ جهانی دوم است، تا بنادر و جزایر استرالیا و مرزهای آبی و زمینی یونان و ترکیه، تا کمپ های پناهندگی در افغانستان و عراق و لبنان و ...

جایی که دهها میلیون نفر را در خطر تباهی، گرسنگی، سرکوب، زندان و شکنجه قرار داده است، محصول مستقیم سیاست های ضدانسانی و ضدبشری قدرت های بزرگ جهانی، آمریکا و اروپا، متحدین جهانی، رقبا و شرکا مرتجع منطقه ای و محلی آن ها است. این شرایط هر انسانی که کمترین بویی از انسانیت برده است را فرامیخواند که کاری بکند و حداقل سنگری در دفاع از زندگی، هستی، آرامش این قربانیان میلیونی توحش و افسار گسیخته قدرت های بین المللی و منطقه ای، ببندد. فرا میخواند که سهمی در ساختن سنگری در دفاع از حق فرار، حق مهاجرت بدنیاال یک زندگی امن و بهتر، حق تلاش برای تامین شرایطی قابل زیست برای خود و فرزندان، دفاع از این حق و دفاع از قربانی، مستقل از رنگ و نژاد و طبقه و ...
صفحه ۳

گزارشی از فعالیت واحدهای حزب در خارج کشور پیرامون اول ماه مه

لندن

روز یکشنبه اول ماه مه، تجمع و راهپیمایی باشکوهی به مناسبت روز جهانی کارگر همانند بسیاری از شهرهای دیگر جهان در شهر لندن نیز برگزار گردید. تجمع و مارش خیابانی از مقابل کتابخانه مارکس با سخنرانی تعدادی از اتحادیه کارگری شروع گردید. در طول مسیر شعارهای مختلفی از جانب شرکت کنندگان سر داده میشد. شعار اتحاد طبقاتی و جهانی کارگران در نقاط مختلف مارش دیده میشد. بنرهای بزرگی از مارکس به چشم می خورد که نشان از نیاز به

مارکس و جای خالی اش در دنیای امروز و بخصوص در بحرانی که سرمایه داری چند سال است با آن دست و پنجه نرم میکند، بود. همچنین گروههای زیادی نیز با شعارهایی رو بنرهایشان فساد مالی رهبران دولتهای اروپایی در افشاگری اسناد پاناما را در این مارش برجسته کرده بودند. در میدان مرکزی شهر (ترافالگار) نمایندگان اتحادیه های کارگری سخنرانی هایی را ایراد کردند. بحران سرمایه داری که چندین سال است یقه کارگران را گرفته، طرح ریاضت اقتصادی که کمر کارگران را خم کرده است، مالیات های

هنگفتی که کارگران باید به دولت پرداخت کنند، زدن خدمات رفاهی و حقوق معلمین و استاد های دانشگاهها، پرستاران و سایر بخش های دیگر طبقه کارگر، عدم امنیت کار و ... تم اصلی بسیاری از این سخنرانان بود. در کنار این مسائل اما، بحران پناهندگی و وضعیت اسف بار آوارگان جنگی سوریه و عراق و ... که بخش اعظم آنها کارگران و طبقه فرو دست آن جوامع هستند، یکی دیگر از تم هایی بود که بسیاری از سخنرانان در حرفهایشان بهش اشاره کردند.
← صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

تاریخ تحمیل شدگان...

نسلِ میان سال به بالا تاثیرات اعتصاب نفت را به یاد می آورد و شعار "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما" هنوز در گوشش طنین دارد. جمهوری اسلامی با حمایت همه جانبه دول غربی، در کنار ارتش و بانکها و ذخایر پولی، با در اختیار گرفتن رادیو تلویزیون و مطبوعات دولتی که از رژیم سلطنت تحویل گرفته بود، برگرفته آمد تا آنچه را حکومت شاه به همراه موکلین مستاصل اش نتوانست به سرانجام رساند، یعنی سرکوب، مصادره و توقف انقلابی که برای آزادی، رفاه و برابری بود، به فرجام رساند. این جریان روی دوش سنت ملی و باصطلاح لیبرالی جبهه ملی و حزب توده علیه انقلاب و انقلابیون ۵۷ پا گرفت؛ سنتی که بیش از همه از کارگر و کمونیست هراس داشت و هنوز هم دارد. سنتی که در طول حیاتش جز دولا شدن در محضر شاه و عشقی جاودانه به مذهب و آخوند چیزی در چنته نداشت. به این اعتبار، "ارادت" ویژه خامنه ای به طبقه کارگر آنهم در این اواخر عمر را باید بر متن این خطرات و واقعیت طبقاتی نگاه کرد. همین چندی پیش بود که از قضا نهاد بسیج، از قول ایشان تاسیس "گارد ویژه برخورد با کارگران اغتشاشگر" را در شرایط امروز اعلام کرد.

۳- کارگران! اراجیف اخیر خامنه

ای در مورد طبقه ما، محصول از هم گسیختگی صفوف طبقاتی ما است. این ضعف را باید هرچه سریعتر علاج کرد. بورژوازی ایران و در راس آن خامنه ای ها و روحانی ها و رفسنجانی ها، تنها با کِش دادن وضع موجود بر بستر فقدانِ تحزب و اتحاد قدرتمند طبقاتی در صفوف ما به بقای خود ادامه می دهند. برجام و "کشایش سیاسی و اقتصادی" آنها نانی به سفره کارگر اضافه نکرد. این

لفاظی ها تنها پیش درآمد تعرض سازمانیافته آنها به زندگی ما کارگران شد. معلوم شد که دولت اعتدال، دولت زالو صفتان سرمایه و دهن کجی به حداقل مطالبات رفاهی کارگران است. معلوم شد که مانورهای امنیتی این دولت حول اوضاع منطقه چیزی جز به تمکین کشاندن اکثریت مردم محروم ایران نیست. هراس اینها از کمونیسم، واقعی است. قدرت بالقوه طبقه کارگر برای زیر و رو کردن این نظام با حکومت اسلامی اش کاملاً روشن است. اینها اگر جرات داشتند فقط برای چهار روز از دولت شان، از ساوا و وزارت مخوف اطلاعات و سپاه پاسداران شان کنار میکشیدند، آنوقت میشد قضاوت کرد که کارگران و جبهه آزادیخواهی و مساوات طلبی در طول این ۳۷ سال چقدر "مدافع نظام اسلامی" جناب خامنه ای و شرکا بوده اند.

۴- کارگران! امروز بیش از همیشه روشن است که بدون یک افق و سیاست روشن کمونیستی، در بر همان پاشنه سابق خواهد چرخید. برای ما که خواهان جامعه ای هستیم که در آن تولید نه به خاطر سود که برای رفع نیازمندی های بشر باشد، جامعه ای که در آن طبقه بالادست و پائین دستی نیست، مزدبگیر و کارفرمایی نیست، انسان بر سرنوشت اش حاکم است، جامعه ای که در آن زن ستیزی و کودک ستیزی و بیگانه ستیزی و تحمیق و خرافه قومیت و مذهب جایی ندارد، نظامی که در آن رشد و اعتدالی هر فرد شرط اعتلا جامعه است، جامعه ای که در آن مواهب زندگی به وفور در اختیار همگان است؛ نطفه های چنین جامعه ای تنها و تنها با متحزب شدن صفوف طبقه ما و سازمان دادن یک انقلاب کمونیستی و کارگری در ایران قابل شکلگیری است.

و آنوقت تازه پرونده جنایی و فردی سران جمهوری اسلامی باز میشود. این جانیان

آزادی؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی- سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابری دارند.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استنکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد - مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

باید به دست عدالت سپرده شوند. و جهانیان بدانند رژیم اسلامی با مردم چه کرده است. باید از این تجربه تلخ درس آموزی کرد. همانگونه که بشریت را از تجربه سیاه و دردناک فاشیسم هیتلری آگاه کردند، جامعه بشری نیز از جنایتی که رژیم اسلامی با مردم کرده است باید بیاموزد. بشریت باید از روایت تاریخ توسط شکست نخوردگان اش مطلع شود تا امکان وقوع مجدد چنین اپیزود دردناکی در زندگی هر چه کمتر شود، و

یا امکان وقوع مجدد پیدا نکند. آنچه قربانیان این دوران تاریک در سینه دارند باید بازگو شود. طبقه کارگر و اکثریت مردم ایران خواهان محاکمه این جانیان اند.

این تنها تلاشی واقعی و عادلانه برای دفن سالها تحمیل این نظام سیاه بر زندگی میلیونها انسان خواهد بود. ما حکمتیست ها تضمین میکنیم که کل حقیقت در مورد این رژیم روشن شود.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکب جمهوری اسلامی!

دردفاع از حق فرار...

جنسیت و مذهب و اعتقادات و گرایش جنسی فراری، داشته باشد. این شرایط هر انسان عدالتخواهی را فرا میخواند که در هر سطح و به هر میزان، عنصری در باز کردن میدان وسیع و جهانشمولی باشد که به وسعت کره خاکی، در مقابل تعرض به ابتدایی ترین حق انسان، حق فرار و پناهندگی و مهاجرت بایستد، از آن دفاع کند، و قدرت های حاکم را به نیروی جنبش های عدالتخواهانه، مجبور کند آن را اجرا کنند.

فرار از جنگ و خطر جنگ، از اختناق و خطر اختناق، از ناامنی سیاسی و خطر ناامنی سیاسی، حق هر کسی است که مستقل از اراده خود در جغرافیای معینی متولد شده است، نژاد و رنگ و پیشینه خانوادگی و گرایش جنسی و اعتقادی معینی دارد و ناچار به جابجایی میشود. این حق را بشریت به بهای دو جنگ جهانی مخرب و کشتار بیش از هشتاد میلیون نفر، بدست آورده است و آن را در حداقل ترین سطح خود، به "کنوانسیون حقوق پناهندگی"، تحمیل کرده است. تجربه خونباری که همه دولت هایی که پناهنده پذیر اند و جوامعی که حداقل هایی از استاندارد رعایت حقوق شهروندی و امنیت سیاسی و اقتصادی در آنها وجود دارد، را موظف کرده است که آن را رعایت کنند. "کنوانسیون حقوق پناهندگی"، این حداقل دستاورد بشریت در مقابل تاریخ خونبار حاکمیت بورژوازی بر جهان، وسیله و ابزار دفاع در مقابل تکرار آن گذشته خونبار بود. سندی که در تمام طول جنگ سرد و بعد از آن، همچون "اعلامیه جهانی حقوق بشر"، همواره توسط قدرت های حاکم و بخصوص بورژوازی غرب، وسیله و مستمسک تسویه حساب های سیاسی و رقابت ها و تخاصمات خود با رقبای اصلی و حاشیه ای قرار گرفت. با این وجود فشار جنبش های عدالتخواهانه، سوسیالیستی و کارگری در کشورهای غربی، بسیاری از این دولت ها را به رعایت آن در سطحی مجبور کرده بود.

امروز اما، در دل جهان چند قطبی که

افسار رقابت ها و تخاصمات و تحرکات میلیتاریستی قدرت های اصلی از جمله آمریکا و اروپا تماما رها شده است، اوضاع مدت ها است که دگرگون شده است. شکست پروژه های میلیتاریستی ناتو در خاورمیانه و بلاتکلیف ماندن معضل تاریخی حفظ حاکمیت بورژوازی غرب بر جهان، دست قدرت های حاکم را در تعرض به این حق، تماما باز گذاشته است. تعرض به حق پناهندگی قرار است که "حلقه ضعیف" و جبهه ای در سیر تعرض بورژوازی جهانی به حقوق اکثریت جوامع انسانی، برای پس گرفتن دستاوردهای تاکنونی بشر باشد.

ارتجاع امپریالیستی، برای شکل دادن به نوعی از توازن در میان قدرت های بزرگ، بیش از دو دهه است که جهان را سراسر به منجلابی از جنگ و بمباران و ترور و کشتار، و تخریب جوامع متعدد در خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل کرده است. با این وجود هنوز قادر به حل معضلات حفظ حاکمیت خود بر جهان نیست. سرازیر شدن عواقب آن تخریب ها و تروریسم ها به غرب، جدال غرب برای حفظ حاکمیت خود را به خود جوامع غربی کشانده است. تعرض به حقوق ابتدایی شهروندان، خارجیان، پناهندگان، اضافه شدن آن به سیاست های ریاضت اقتصادی و تعرض به بخش های محروم خود جوامع غربی، مهمترین دستور کار بورژوازی غرب شکست خورده در کیس سوریه است.

موج وسیع فرار از باطلاق خاورمیانه و شمال آفریقا، سرازیر شدن بخش کوچکی از این سیل به سمت اروپا، در دل بحران های اقتصادی و سیاسی خود بورژوازی غرب، تعرض به همه دستاوردهای متهمان در جوامع غربی، و از جمله تعرض به حق فرار و حق پناهندگی سیاسی را در دستور کار فوری قدرت های غربی قرار داده است. فی الحال این تعرض به زمخت ترین شکل، از جمله زندانی کردن و شکنجه قرائیان، از جمله جنایی کردن تلاش برای یافتن سرپناهی امن، به مهوع ترین شکل در حال اجرا است.

بورژوازی غرب، جنگ مرگ و زندگی اش

را با تعرض به تمام دستاوردهای متمدنانه تاریخ بشر در خود جوامع غربی، مدتهاست آغاز کرده است. دست ارتجاعی ترین و دست راستی ترین دولت ها و جریانات مذهبی، فاشیستی و گروه های فشار را، در تعرض به "حلقه ضعیف" حق پناهندگی و حقوق برابر شهروندی، در تعرض به حق اعتصاب کارگر و ساعت کار کارگر، در تعرض به حق کار و مرخصی و بازنشستگی و تامین اجتماعی و سکولاریسم و برابری زن و مرد و برابری نژادی و .. تماما باز گذاشته است.

مسئله، پایان دادن به "بحران پناهندگی" نیست. مسئله، کشیدن دیوار و حصار بدور اروپا و غرب است و محدود کردن دامنه فرار و تحرکات داعش و جنگ و تخریب و خانه خرابی، به خاورمیانه، آفریقا، آسیا و نقاط دور افتاده ای که در چشم دست راستی اروپا محور، در آن جغرافیاهای "مردم با اندازه کافی شایسته زندگی امن نیستند"!

به بهانه امنیت تلاش میکنند که فجایعی که نه تنها خود برنامه ای برای مهار آن ندارند که هر توافق و سازش شان هم دور دیگری از تخریب و کشتار، این بار با شرکت پرنساز های دیگری، ببار می آورد را "از غرب دور کنند"! آن را به خاورمیانه و آفریقا و نقاط "پرت" محدود کنند! توافق با اسد، قرار نبود و قرار نیست "بحران سوریه" را به نفع مردم محروم این کشور به سرانجام برساند. قرار بود و قرار است که آن را مدیریت و کنترل کند، آنهم در راستای منافع سیاسی و اقتصادی باز همان نیروها و قدرت های تخریب قبلی. دشمن خود به زبان خود همه آزادیخواهان و برابری طلبان و بشریت متمدنی که در جوامع غربی، نه منجلات ساخته دولت های غربی را میخواهند و نه محصولات تروریستی داعش و بی حقوقی فلسطینی ها و سرکوب های اردوغان و اسد و ناتانیاهو و میوه چینی های ریاکارانه ارتجاع اسلامی ایران، فرا میخواند که

پا به میدان بگذارند. از خود، از جوامع بشری، از دستاوردهای خود، باید دفاع کرد. این از جمله یکی از میدان های جدال هر کمونیستی، هر روشنفکر و کارگر کمونیستی، در هرکجای جهان است.

فرار از جنگ و بمبارانهای ناتو، محصولات ارتجاعی آنها، چون داعش، و فرار از سرکوب و کشتار قدرت ها و دولت های منطقه ای و محلی، چون ترکیه و عربستان و ایران و یمن و سوریه و عراق و .. حق ابتدایی هر متقاضی پناهندگی است.

نباید اجازه داد این عقب گرد تحمیل شود. نباید اجازه داد که آپارتاید قومی و مذهبی در اروپا و آمریکا، کمترین فرجه ای برای ابراز وجود بیابد! نباید اجازه داد که دستاوردهای متمدنانه این جوامع، به بهانه "بحران پناهندگی"، بیش از این مورد تعرض قرار گیرد.

پیشروی در دفاع از این حق را باید به پیشروی در دفاع طبقه کارگر و جنبش های اعتراضی، که در مقابل برنامه های ریاضت اقتصادی، در مقابل تعرض به حقوق اقشار محروم جامعه، در دفاع از آزادی های سیاسی، که مدت ها است از فرانسه تا بریتانیا و آمریکا و ایتالیا و اسپانیا و یونان و ترکیه به میدان آمده است، گره زد.

مقاومت در هریک از این سنگر ها، در دفاع از حق برابر شهروندان، در دفاع از اعتراضات و اعتصابات طبقه کارگر و محرومین این جوامع، همه و همه سنگر هایی در جدال در یک جبهه از یک سلسله جنگ هایی است که دشمن به بشریت تحمیل کرده است.

* جمعه ۲۹ آوریل ۲۰۱۶، "یک پناهجوی ۲۳ ساله ایرانی که در مرکز نگهداری پناهجویان استرالیا در جزیره ناپورو خود را به آتش کشیده بود، در بیمارستان جان باخت"

به نقل از یورو نیوز

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!

اعضا و کادرهای حزب حکمتیست خط رسمی در لندن به طور فعال در این تجمع و مارش خیابانی حضور داشتند. صدها نسخه از اطلاعیه انگلیسی تشکیلات خارج کشور حزب به مناسبت اول مه در میان تجمع کنندگان پخش گردید. شعارهایی که در دفاع از کارگران ایران و همچنین همبستگی طبقاتی جهانی کارگران از طرف واحد لندن حزب بر روی بنرها چاپ شده بود، توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود.

اسلو



مراسم اول ماه مه روز یکشنبه به فراخوان اتحادیه های کارگری و احزاب چپ و سوسیالیست در میدان کارگر شهر اسلو برگزار شد. طبقه کارگر نیرو در حالی به استقبال اول ماه مه رفت که بحران بیکاری همچنان در حال تشدید است. در طول سخنرانی هایی که از جانب نمایندگان برگزار شد، دبیر سازمان LO، با بیان اینکه از وقتی که دولت دست راستی نیرو سرکار آمده هر روز حداقل ۵۰ نفر شغل خود را از دست می دهند و آمار کارگران بیکار به بیش از صد و سی و پنج هزار نفر رسیده است، ناتوانی دولت دست راستی نیرو را در مقابله با پدیده بیکاری یادآور شد و این پروسه را شروعی برای مبارزات انتخاباتی برای سیاست جدید و دولت جدید در انتخابات سال آینده اعلام کرد. لازم به ذکر است که بخش قابل توجهی از کارگران هتل و شغل های خدماتی در اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی خود، به نشانه اعتراض، جلیقه های زرد رنگ به تن داشتند. در ادامه، برخی از سخنرانان به وضعیت

کشور جنگ زده سوریه و موج عظیم آوارگان اشاره کردند و همبستگی و حمایت جامعه بین المللی را در برخورد با این پدیده خواستار شدند. تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) - واحد نیرو، ضمن شرکت در مراسم اول ماه مه و اعلام هم سرنوشتی و همبستگی با طبقه کارگر جهانی و طبقه کارگر نیرو، با پخش اطلاعیه حزب که به زبان انگلیسی منتشر شده بود و همچنین برپایی میز کتاب، برخی از آثار منصور حکمت و ادبیات حزب را در دسترس علاقمندان

گوتنبرگ

تشکیلات حزب در گوتنبرگ امسال فعالانه در مراسم روز جهانی کارگر با در دست داشتن تراکت و پلاکارتهای که وضعیت کارگران ایران را منعکس می کرد و همچنین با حمل پوستره های مارکس شرکت کرد. همراه دهها هزار نفر از میدان Järntorjet به طرف مرکز شهر با سردادن شعارهایی علیه نظام سرمایه داری و زنده باد کمونیسم این مسیر طولانی را پیموده اند.

بروکسل

باز هم اول ماه می و باز هم فرصتی برای یک تلنگر به دنیای غرق در بی تفاوتی. امروز در بسیاری از شهرهای دنیا، کارگران و فعالین کارگری و مردم آزادی خواه به خیابان ها آمدند تا بار دیگر صدای اعتراضشان را به گوش استثمارگران و ضایع کنندگان حقوق کارگران برسانند. بروکسل، پایتخت بلژیک و اتحادیه ی اروپا هم صحنه ی تجمع و راهپیمایی جمعی از فعالین آزادیخواه و برابری طلب بود.

تجمع از ساعت یازده در منطقه ی "سنت- ژیل" آغاز شد و در ساعت دوازده جمعیت با حمل پلاکارت هایشان به سمت میدان "سنت- ژاک" حرکت کردند. پس از میدان "سنت- ژاک"، شرکت کنندگان به سوی میدان "روپ" به راهشان ادامه دادند و در نزدیکی میدان توسط نیروهای امنیتی نگه داشته شدند تا در گروه های کوچک و پس از بازرسی بدنی وارد محوطه ی میدان شوند. کمتر بودن تعداد حاضران در میدان نسبت به سال های قبل چشمگیر بود. جو امنیتی بروکسل پس از حوادث

تروریستی اخیر نقش بسزایی در کم رنگ بودن شرکت مردم در این مراسم داشتند. در طول مراسم فعالین احزاب و گروه های مختلف اقدام به پخش بیانیه ها و نشریاتشان کردند. هم چنین شعارهایی هم در انتقاد از شرایط کارگران در دنیا داده شد. اعضای حزب حکمتیست (خط رسمی) نیز همانند دیگر شرکت کنندگان اقدام به حمل پلاکارت، پخش بیانیه تشکیلات خارج حزب و سر دادن شعار کردند.

کپنهاک

واحد حزب در شهر کپنهاک نیز همراه با فراخوان احزاب و اتحادیه های کارگری در مراسم اول ماه مه امسال فعالانه شرکت داشت و در این تجمع اقدام به پخش اطلاعیه حزب و همچنین ادبیات و نشریات حزب میان جمعیت و در طول مسیر راهپیمایی کرد.

کلن

روز یکشنبه در میدان "هوی مارکت" کلن در کنار سایر احزاب و جریانات سوسیالیست، واحد کلن حزب حکمتیست نیز اقدام به برپایی میز کتاب و چادر حزب کرد. لازم به ذکر است که صدها نسخه اطلاعیه تشکیلات خارج در میان جمعیت توزیع و پخش شد.

حکمتیست را توزیع و پخش کنید



www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبداللہی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com